

Common aspects of public in Naini thought

Received: 2020-08-23

Accepted: 2020-12-06

Fardin Moradkhani*

The main purpose of this study is to investigate one of the important concepts in Ayatollah Naini's thought entitled "Common aspects of public" which has been neglected by the commentators of Naini's thought. Naini was able to provide a genuine basis for Iranian constitutionalism by formulating a coherent system of thought based on Shiite principles. The main question of this research is what is the meaning and position of the concept of common aspects in general in Naini thought. The methodology of this research is based on studying the text of Naini book and using descriptive-analytical method. According to the findings of this study, the commonalities of the species are closely related to some concepts such as the species, the commonalities of the species and the materials of the species in Naini thought that to understand this concept must be seen in a system of thought. He also used this phrase when proposing the two important concepts of "representation" and "the role of the people in the affairs of Hasbiya." According to him, there is a constituency in the government in which all people participate. Naini has used concepts such as equality, council, tax, enjoining the good and forbidding the evil to explain this concept. Among these concepts, the concept of equality has an important place; In fact, the design of commonalities is generally the basis and entry for the concept of equality in Shiite thought.

Keywords: Naini, Common aspects of public, tax, representation, equality.



Abstracts

*. Assistant Professor, Faculty of Public Law, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

جهات مشترکه عمومیّه در اندیشه نائینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۹/۱۶

فردین مرادخانی*



هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی یکی از مفاهیم مهم در اندیشه آیت‌الله نائینی تحت عنوان «جهات مشترکه عمومیّه» است که تاکنون از نگاه شارحان اندیشه نائینی مغفول مانده است. نائینی با تدوین نظام اندیشه‌ای منسجم و مبتنی بر مبانی شیعی توانست برای مشروعیت ایران مبنایی اصیل فراهم آورد. سؤال اصلی این تحقیق آن است که مفهوم جهات مشترکه عمومیّه در اندیشه نائینی چه معنا و جایگاهی دارد. روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر مطالعه متن کتاب نائینی و استفاده از روش توصیفی - تحلیلی است. براساس یافته‌های این تحقیق، جهات مشترکه نوعیه با برخی مفاهیم مانند نوع، مشترکات نوعیه و مصالح نوعیه در اندیشه نائینی پیوند نزدیکی دارد که برای درک این مفهوم باید آن‌ها را در یک منظومه فکری دید. همچنین او این عبارت را به هنگام طرح دو مفهوم مهم «نماینده‌گی» و «نقش مردم در امور حسبیّه» به کار برده است. به اعتقاد او، در حکومت حوزه‌ای وجود دارد که همه مردم در آن اشتراک دارند. نائینی از مفاهیمی مانند برابری، شورا، مالیات، امر به معروف و نهی از منکر برای توضیح این مفهوم استفاده کرده است. از میان این مفاهیم، مفهوم برابری جایگاه مهمی دارد؛ درحقیقت، طرح جهات مشترکه عمومیّه مبنا و مدخلی برای مفهوم برابری در اندیشه شیعی است.

کلیدواژه‌ها: نائینی، جهات مشترکه عمومیّه، مالیات، نمایندگی، برابری.

* استادیار حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا، ایران، همدان (f.moradkhani@basu.ac.ir).

۱. مقدمه

تاریخ مفاهیم حقوقی و سیاسی از حوزه‌های ناشناخته در ایران است و تاکنون آثار اندکی در مورد آن نگاشته شده است. در مشروطیت ایران گسستی نسبت به گذشته رخ داد و میان گذشته و دوران جدید فاصله‌ای ایجاد شد که هر روز در حال بیشتر شدن است. این گسست از دوره قاجار شروع شد و نزدیک به یک‌صد سال این تلاش‌ها تداوم یافت، تا سرانجام این مفاهیم وارد نظام سیاسی و حقوقی ایران شد. بررسی این آبشخورهای فکری می‌تواند پرده از بسیاری از تحولات سده معاصر بردارد و نشان دهد که سنگ بنای نخستین مفاهیم چگونه گذاشته شد. این مفاهیم توسط گروه‌های مختلف و از نظرگاه‌های متفاوتی به بحث گذاشته و مطرح شده‌اند. از یکسو، عموم روشنفکران که آشنایی چندانی با سنت نداشتند، کوشش می‌کردند این مفاهیم را برگرفته از سنت‌های غربی به ایرانیان معرفی کنند و از سوی دیگر، فقیهان در تلاش بودند که با تمسک به میراث گران‌بهای سنت، در طرح مفاهیم نو کمک کنند. فقیهان مشروطه‌خواه در نجف شامل مراجع ثلاث و برخی از شاگردان‌شان، استوارترین نوشته‌ها را در مورد نظریه مشروطیت ایران از منظر فقه شیعه مطرح کردند.

میرزای نائینی در یکی از مهم‌ترین رسائل مشروطه‌خواهی کوشش نمود مبانی‌ای برای مشروطیت ایران فراهم آورد. اگرچه درباره او بسیار نوشته شده است، اما آنچه تاکنون کمتر به آن توجه شده، ابتکارات و نوآوری‌های او در زمینه مفاهیم حقوقی است. اصطلاحات و سخنان نائینی در نهایت ایجاز بیان شده‌اند؛ گرچه، بسیاری از این مفاهیم و نوآوری‌های نائینی در عرصه‌های اندیشه سیاسی و حقوق عمومی رمزگشایی نشده و توضیحات مناسبی برای آن‌ها ارائه نگردیده است.

در این مقاله، کوشش شده است تا به مفهوم «جهات مشترکه عمومی» به‌عنوان یکی از مفاهیم مطرح شده از سوی میرزای نائینی پرداخته شود. استفاده او از این مفهوم و مفاهیم هم‌عرض با آن، راه را بر مفاهیم مهمی مانند ملت، برابری، مشارکت، شهروند و ... باز کرده است که تأمل بسیار مهمی به‌شمار می‌آید. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که «مفهوم جهات مشترکه عمومی در اندیشه نائینی چه معنا و جایگاهی دارد؟» کوشش شده است با تکیه بر متن کتاب «تنبیه‌الامه» و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی وجوه مختلف این مفهوم و کلمات به کار برده شده در آن، مورد واکاوی قرار گیرند. تحقیقات نگارنده این سطور حاکی از آن است که تاکنون تحقیق مستقلی



در خصوص این مفهوم انجام نشده است. تنها در برخی تحقیقات به صورت بسیار گذرا به این مفهوم اشاره شده است. برای نمونه فیرحی (۱۳۹۷) در کتاب *آستانه تجدد* به این مفهوم اشاره‌ای کرده است. سلطانی (۱۳۹۱)، مرادخانی و صادقیان (۱۳۹۷/الف) تنها به اهمیت این مفهوم اشارتی داشته و توضیح یا تفسیری از آن ارائه نداده‌اند. تأکید این مقاله، تکیه بر متن کتاب نائینی و تا حد امکان، پرهیز از رجوع به منابع ثانوی بوده است.

۲. معنای جهات مشترکه

جهات در اندیشه نائینی در ترکیب‌های متفاوتی آمده است؛ مانند جهات امتیازیه، جهات شخصیه، جهات سیاسیه و جهات مشروعیت. «جهات امتیازیه» در اندیشه او شامل مورد تفاوت شدن یک قوم و مردم از اقوام دیگر می‌شود و در کنار مسائل مهمی مانند حفظ دین و وطن قرار می‌گیرد. نائینی می‌گوید اگر مردم در امر حکومت کشورشان مداخله نمایند و آن را به غیر واگذارند، جهات امتیازیه خود را از دست خواهند داد. به گفته او «بالضروه معلوم است که حفظ شرف و استقلال و قومیت هر قومی هم چه آنکه راجع به امتیازات دینی باشد یا وطنیه، منوط به قیام امارتشان است به نوع خودشان، و آلا جهات امتیازیه و ناموس اعظم دین و مذهب و شرف استقلال وطن و قومیتشان به کلی نیست و نابود خواهد بود، هر چند به اعلی مدارج ثروت و مکنت و آبادانی و ترقی مملکت نائل شوند» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۲۳).

همچنین به نظر او، برای حفظ جهات امتیازیه در یک کشور دو کار باید انجام گیرد: حفظ نظامات داخلیه مملکت و تحفظ از مداخله اجانب (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۲۴). «جهات شخصیه» نیز به ویژگی‌های شخصی افراد اشاره دارد، مثلا اینکه از کدام طبقه یا نژاد هستند؛ به نظر نائینی در امور حکومت‌داری باید به این جهات کاملا بی‌توجه بود، زیرا به اصل برابری ضربه می‌زند. وی در دفاع از برابری می‌نویسد: قانون باید «در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت مجری شود؛ جهات شخصیه و اضافات خاصه رأسا غیرملحوظ. و ... به کلی مسدود باشد» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۹۰).

«جهات سیاسیه» از دیگر اصطلاحات اوست. نائینی در پاسخ به شبهه لزوم دخالت مردم در امور حسیبه ضمن اشاره به شورایی بودن سلطنت در اسلام و با توجه به مالیاتی که مردم می‌دهند با دفاع از حضور و مشارکت مردم می‌نویسد: «علاوه‌بر همه آن‌ها از جهات سیاسیه هم وظیفه فعلیه نظر به مغضوبیت مقام و عدم تمکن از تحدید صحیح جز



بر این وجه، موجب تعیین آن است» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۹۸). نائینی در رد مغالطه بدعت بودن اعتبار رأی اکثریت، با استفاده از اصطلاح «جهات مشروعیت» می‌نویسد: «با اختلاف آرا و تساوی در جهات مشروعیت، حفظاً للنظام متعین و ملزمش همان ادله داله بر لزوم حفظ نظام است» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱). در تمامی عبارات و ترکیبات فوق، نائینی می‌کوشد جایگاه مردم را در امر حکومت به رسمیت بشناسد.

«مشترکه» از واژه‌هایی است که نائینی در موارد دیگری هم به کار برده که مهم‌ترین کاربرد آن، مفهوم و تعبیر «حقوق مشترکه نوعیه» است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۵۷). نائینی کلمه «مشترکه» را از مفاهیم فقهی حقوق خصوصی یعنی مال مشاع وام گرفته‌است. او بر این باور است که در امور نوعیه، همه افراد مالکیت مشاعی دارند و به همین دلیل شریک و در نتیجه برابر هستند. این واژه با مفهوم مالیات هم نزدیک است. نائینی بر این باور است که همه مردم با شخص سلطان در مالیات شریک و در آن برابرند و فواید عامه به همه یا مجموع سکنه یک کشور تعلق دارد. به همین دلایل، مردم حق نظارت بر حکومت را دارند. مفهوم شراکت و مفاهیم هم‌ریشه با آن همانند مشترکه، در اندیشه نائینی جایگاه خاصی دارد؛ برای نمونه، او با استفاده از مفهوم دیگری در فقه حقوق خصوصی، مردم را شریک شاه می‌داند که با او مالکیت مشاعی دارند. به‌طور کلی، استفاده از مفاهیم فقه خصوصی مانند مالکیت، ولایت و اجاره در اندیشه فقیهان مشروطه‌خواه در نوع خود بسیار جالب توجه است (مرادخانی، ۱۳۹۷). به اعتقاد او نباید در امور عمومی همه چیز مختص به یکی از افراد ولو حاکم باشد و مابقی بالکلیه مکفوف‌الید و مسلوب‌الحق باشند. از دیدگاه وی، عموم مردم باید افرادی را انتخاب کنند که با مشورت درخصوص این موارد تصمیم بگیرند. به این ترتیب، او همه افراد را در امور نوعی شریک می‌داند.

نائینی در تقسیم‌بندی حکومت‌ها نیز با اشاره به مفهوم مشارکت معتقد است در حکومت استبدادیه و تملکیه، مردم با سلطان در سایر نوعیات مملکت مشارکتی ندارند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۳۱)؛ درحالی‌که، در حکومت ولایتیه، آحاد ملت با شخص سلطان در مالیه و سایر قوای نوعیه شریکند و متصدیان امور در حقیقت، امین نوع‌اند نه مالک کشور (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۲۸). علاوه بر این، نائینی بر این باور است که سلطنت اسلامیه، سلطنتی محدود است و لاحد نیست و با توجه به مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت، اساس این حکومت بر مشورت با عقلاست که مصداق آن مجلس شورای ملی است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۷۳). ترکیب جهات مشترکه با کلمه عمومیه نیز در همین راستاست و به حوزه‌ای اشاره می‌کند که همه افراد و عموم در آن اشتراک دارند.

۳. معنای عمومیّه و نوعیه

ترکیب «جهات مشترکه» با مفهوم «عمومیّه» تکمیل می‌شود. نائینی به واژه عموم و مفاهیم پیرامون آن مانند شورویه عمومیّه، عناوین اولیه مشترکه بین‌العموم، تکالیف عمومیّه، جهات عمومیّه و جهات مشترکه عمومیّه توجه بسیاری دارد. یکی از مواردی که او به مفهوم عمومیّه اشاره می‌کند، در توضیح گونه‌ای از حکومت است که مردم در آن مشارکت دارند. او هنگام اشاره به قوم سبا و توضیحی در مورد آیه ۳۲ سوره نحل می‌نویسد: حکومت قوم سبا «شورویّه عمومیّه» بوده نه استبدادیه (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۵۶).

همچنین، در ادامه همین مطلب به دو حکومت دیگر اشاره دارد که شورویه هستند، اما عمومیّه و مورد تأیید او نیز نیستند. یکی از آن‌ها حکومت انگلستان است که نسبت به مردم خودشان شورویه و مسئولیه است، اما نسبت به مردم هندوستان استبدادیه و استبدادیه است و دیگری حکومت فرعون بود که نسبت به قبطیان شورویه بود، اما نسبت به بنی‌اسرائیل استبدادیه (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۵۶ - ۵۷). به عبارت دیگر، در این دو نوع حکومت، مشورت و شورایی بودن جنبه عمومی نداشت و همه افراد جامعه حق مشارکت در امور را نداشتند و تنها وابستگان به حاکم می‌توانستند در امور مشارکت کنند. با توجه به این نکات مشخص می‌شود که نائینی از کلمه عموم، همه مردم فارغ از جهات شخصیّه را در نظر داشته که نکته بسیار مهمی است.

یکی دیگر از مواردی که نائینی از واژه عمومیّه استفاده می‌کند، آوردن آن در کنار امور حسبیّه است که البته در اینجا سخن او به‌طور کامل واضح نیست؛ زیرا یک‌بار وظایف حسبیّه را از تکالیف عمومیّه تفکیک می‌کند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۹۸) و در جای دیگری، با قرار دادن این دو مفهوم در کنار یکدیگر، درخصوص حوزه دخالت نمایندگان می‌نویسد: «صحّت و مشروعیت مداخله مبعوثان ملت در وظایف حسبیّه و عمومیّه ظاهر و مبین» است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱)؛ به نظر می‌رسد امور عمومیّه با امور حسبیّه در اندیشه او نسبت نزدیکی دارند.

نائینی در رساله خود دو بار از عبارت «مشترکه بین‌العموم» استفاده کرده است. او می‌نویسد: «قانون اساسی یا سیاسیاتی است عرفیه که حفظاً للنظام مقرر شده یا شرعیاتی است بین‌العموم مشترک که نه به تکالیف تعبدیه مرتبط است نه به احکام حکومت شرعیّه» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۹۲). در جای دیگری نیز در طرح مسئله برابری، از آنچه بین‌العموم مشترک است و به فرقه خاصی تعلق ندارد و می‌تواند به‌طور عموم اجرا شود یاد



می‌کند؛ مواردی مانند امنیت بر نفس، عرض، مال، مسکن، عدم تعرض بدون سبب، تجسس نکردن از خفایا، حبس، نفی نکردن بی‌موجب و ممانعت نداشتن از اجتماعات مشروعه را به‌عنوان مصادیق آن برمی‌شمارد (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۹۰). در ادامه به این مفهوم بازمی‌گردیم.

مفهوم بسیار نزدیک به عمومیه و جهات در اندیشه نائینی مفهوم «نوعیه» است. نوع در اندیشه اسلامی معانی گوناگونی دارد. در علم منطق یکی از معانی سه‌گانه نوع، جهت قضیه است. نوع به معنای حقیقت مشترک بین جزئیات نیز هست (مظفر، ۱۴۲۰ق، صص ۷۰-۷۱) و اقسام پیچیده‌ای دارد. در ادبیات عرب نیز نوع به فتح نون شامل دسته‌ای از هرگونه و صنفی از لباس‌ها، ثمرات و اشیا است حتی کلام و به ضم نون یعنی گرسنگی (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۵۷). همچنین «نوع از چیزی یعنی گونه‌ای از آن» (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۷).

اصطلاح نوع و نوعیه در کتاب تنبیه‌الامه در ترکیب‌های متعددی به کار رفته است مانند: وظایف نوعیه، قوای نوعیه، حقوق مشترکه نوعیه، مصالح نوعیه، امانت نوعیه، ولی نوعی، خیانت به نوع، نظامات نوعیه، وظایف لازمه نوعیه، حقوق واجبه نوعیه، امور نوعیه، سایر نوعیات مملکت، ولایات نوعیه، نوع امت، جمیع نوعیات، سیاسات نوعیه، مصارف لازمه نوعیه، جامعه نوعیه، رابطه نوعیه و مرجحات نوعیات؛ در ادامه به برخی از این اصطلاحات اشاره خواهیم داشت.

نائینی اصطلاح «امور نوعیه» را به کار برده است. نائینی به‌صراحت امور نوعیه و موارد آن را مشخص نکرده است. یکی از محققین، امور نوعی در اندیشه نائینی را معادل امر سیاسی می‌داند (فیرحی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۱). دو تن از محررین درس نائینی نیز معنایی شبیه به این گفته‌اند. در «منیة الطالب» یک قسم از ولایات راجع به امر سیاسی است (نجفی خوانساری، ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۳۲۵). در «مکاسب» و «بیع» هم امور نوعیه در راستای تدبیر کشور، سیاست و جمع‌آوری مالیات و زکات و مدیریت مصرف آن‌ها در مصالح عمومی آمده است (آملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۴).

به نظر می‌رسد منظور از امور نوعی لزوماً امر سیاسی نباشد؛ در یک تفسیر می‌توان این مفهوم را معادل امر عمومی و آنچه بین همه افراد جامعه وجود دارد، دانست. امر عمومی امری متعلق به همگان است، یعنی امور مشترک میان اعضای جامعه که باید با مشورت نوع باشد و امر سیاسی می‌تواند ذیل آن قرار گیرد. از این حیث می‌توان امور

نوعیه را در مقابل امور شخصیّه قرار داد که امور شخصیّه به مسائل فردی می‌پردازد و امور نوعی به همه افراد مربوط است. در متون فقهی شیعه، نوع، نوعی و نوعیه به مواردی اطلاق می‌شود که از امور شخصیّه خروج موضوعی دارد و نقش حکومت و حاکم در آنها پررنگ است و اگر حاکم در امور شخصیّه دخالت کند احتمالاً آن موضوع مرتبط با امور نوعیه است؛ برای نمونه، روابط یک فرد با اعضای خانواده‌اش از امور شخصیّه بوده، اما ممکن است با امور نوعیه ارتباط برقرار کند و حاکم در آن دخالت نماید.

نائینی در ذیل آیه «و شاورهم فی الأمر» و در جواب مخالفان مشروطه که گفته بودند مخاطب این آیه تنها افراد خاصی هستند نه همه مردم، بار دیگر با اشاره به مفهوم نوع می‌گوید: «مرجع ضمیر، جمیع نوع امت و قاطبه مهاجرین و انصار است نه اشخاص خاصه» و درخصوص آیه «و أمرهم شوری بینهم» هم تأکید می‌کند: «وضع امور نوعیه بر آن است که به مشورت نوع برگزار شود. سیره مقدسه نبویه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مشورت با اصحاب ... و موافقت آن حضرت با ارائه اکثر به جایی منتهی بود که حتی در غزوه احد با این که رأی مبارک شخص حضرتش با جماعتی از اصحاب، عدم خروج از مدینه مشرفه را ترجیح فرمود» (نائینی، ۱۳۸۰، صص ۷۳-۷۴). در این عبارات، نائینی به صراحت اعلام می‌کند که امور نوعیه اموری مربوط به همگان است و همه باید در مورد آن تصمیم بگیرند و در سیره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز چنین رویه‌ای حاکم بوده‌است.

در تفسیر دیگری می‌توان گفت، منظور از امور نوعیه همان مصلحت عمومی است، زیرا نائینی از غرض شخصی و غرض نوعی هم برای توضیح این مفهوم استفاده می‌کند که معادل مصلحت خصوصی و مصلحت عمومی است. اصل این تفکیک در فقه معاملات است؛ در آنجا منظور از غرض شخصی، داشتن ویژگی خاصی در مورد معامله است، مثلاً بتوان با آن کار خاصی را انجام داد؛ ولی در غرض نوعی، ویژگی کلی مورد معامله مدنظر است. نائینی با آوردن این مفهوم از فقه معاملات به حوزه حقوق عمومی می‌گوید: «تقدم اغراض شخصیّه بر اغراض نوعیه و مصالح نوعیه» از علل انحطاط دنیای اسلام است و مسلمانان از صدر اسلام هر مشکلی داشته‌اند به دلیل ترجیح دادن غرض شخصی بر غرض نوعی است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷). نائینی در جای دیگری می‌نویسد: «مبدأ تفرق کلمه و تشتت اهواء و اختلاف آراء، تقدم اغراض شخصیّه بر مصالح و اغراض نوعیه» است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵). او همچنین می‌نویسد: در سلطنت تملیکیه، حاکم در جهت «مصلح و اغراض شخصیّه» خود حرکت می‌کند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۲۵). درحالی که در امر



حکومت‌داری باید اغراض شخصیه و قرابت با زید و صداقت با عمرو و عداوت با بکر را کنار نهاد (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳). نائینی همچنین یکی از شرایط نمایندگان را «بی‌غرضی و بی‌طمعی» می‌داند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲). او در جای دیگری هم می‌نویسد: غرض از تشکیل انجمن‌ها «رفع ید از اغراض شخصیه و حفظ جامعه نوعیه» است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷). این اشارات نائینی به حد کافی گویا هستند که او به مفهوم مصلحت عمومی که در زمانه خود بسیار برجسته بوده، توجه خاصی داشته‌است.

نائینی از تعبیر «ولی نوعی» هم یاد کرده‌است؛ حاکم جامعه اسلامی امین نوع است و به تدبیر امور نوعی می‌پردازد. او ولایتِ ولی نوعی بر امور نوعیه را نیز مربوط به مواردی می‌داند که در راستای مصالح عمومی جامعه اسلامی است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲). نائینی در تقسیم‌بندی حکومت هم به این مفهوم اشاره می‌کند. به گفته او در قسم دوم سلطنت - که مورد تأیید اوست - اصل بر آزادی از عبودیت سلطان، مشارکت و «مساوات اهالی مملکت حتی با شخص ولی نوعی در جمیع نوعیات» است (نائینی، ۱۳۸۰، صص ۳۳، ۸۹). درحالی که در قسم اول یا استبدادی، سایر نوعیات مملکت را تابع استبداد قرار می‌دهند (نائینی، ۱۳۸۰، صص ۱۳۴-۱۳۵، ۳۱)؛ زیرا به نظر نائینی سلطنت به معنای «امانت‌داری نوع» است و اساس سلطنت برای حفظ و نظم مملکت، شبانی گله و تربیت نوع و رعایت رعیت است نه برای رفع شهوت. به گفته او سلطنت «امانت‌داری نوع، ولایت بر نظم و اقامه سایر وظایف راجع به نگهبانی است نه قاهریت و مالکیت» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۵۵).

نائینی در جای دیگری از کتاب خود در توضیح مفهوم قانون، وظایف مربوط به سیاست و اداره امور را به دو دسته تقسیم می‌کند: نخست منصوباتی که وظیفه عملیه آن بالخصوص معین و حکمش در شریعت مطهره مضبوط است. دوم غیرمنصوصی که وظیفه عملیه آن به واسطه عدم اندراج، تحت ضابط خاص و میزان مخصوص غیرمعین و به نظر و ترجیح ولی نوعی موکول است. این دسته دوم همان سیاست نوعیه هستند که قسمت اعظم قوانین را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب، نائینی بخش مهمی از قوانین را در دسته دوم قرار می‌دهد و مبنایی برای قانون‌گذاری جدید فراهم می‌آورد (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲؛ مرادخانی، ۱۳۹۶، ص ۳۲۰).

مفهوم دیگر «مصالح نوعیه» است که چندین بار توسط نائینی به کار برده شده است. قانون اساسی در اندیشه نائینی حوزه‌ای است که در آن مصالح نوعیه مطرح می‌شوند و

یکی از کارکردهای قانون اساسی را «تمییز مصالح نوعیه لازمه الاقامه» از غیر آن (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۳۰) و «وظایف نوعیه لازمه از غیر آن» می‌داند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۳۱، ۷۸). او در جای دیگری از رساله خود می‌نویسد قانون اساسی برای تحدید قدرت و تشخیص وظایف نوعیه لازم الاقامه از غیر آن است و بلافاصله تاکید می‌کند که «دستورات تفصیلیه» یا «همان وظایف نوعیه لازم الاقامه» دو دسته‌اند: سیاست عرفی که حفظاً للنظام هستند و شرعیاتی که بین‌العموم مشترکند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۹۲).

نائینی در تفکیک قوا نیز با اشاره به وظایف نوعیه می‌نویسد: در «تجزیه قوای مملکت» هر یک از شعب «وظایف نوعیه را تحت ضابط و قانون صحیح علمی» بر عهده دارند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵). به این ترتیب، به نظر می‌رسد او مصالح نوعیه و وظایف نوعیه را مترادف دانسته‌است. نائینی با ارتباط دادن مفهوم مصالح لازمه نوعیه به مفهوم عموم می‌نویسد: عموم ملت به جهت شورویه بودن سلطنت اسلام و همچنین به خاطر مالیاتی که برای «اقامه مصالح لازمه» می‌دهند حق مراقبت و نظارت بر حکومت را دارند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۹۸). او در جای دیگری هم به مصالح نوعیه اشاره می‌کند؛ به گفته او در سلطنت ولایتیه، فاعلیت مایشاء و حاکمیت مایرید وجود ندارد و «اساس سلطنت بر اقامه وظایف و مصالح نوعیه» است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۲۷). به دیگر عبارت، حکومت مطلوب او فقط به مصالح نوعیه می‌پردازد و از دخالت در امور شخصی مردم اجتناب می‌کند و خود را مالک کشور تلقی نمی‌کند. او این مصالح را با مفهوم امانت هم ارتباط داده و عدم رعایت مصالح نوعیه را خروج از وظیفه نگهبانی و «خیانت به نوع» می‌داند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

به گفته نائینی نوع دوم سلطنت که ولایت بر اقامه مصالح نوعیه است، کاملاً محدود است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۳۲) و مالکیت و قاهریت وجود ندارد و «اساس سلطنت بر اقامه وظایف و مصالح نوعیه» است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۲۷). این نوع حکومت عبارت است از «ولایت بر اقامه وظایف راجع به نظم و حفظ مملکت نه مالکیت و امانتی است نوعیه در صرف قوای مملکت در این مصارف نه در شهوات خود.» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۲۸) یکی از محققین بر این باور است که امور نوعیه و مصالح نوعیه در اندیشه نائینی مترادف هستند و امور نوعی یا همان مصالح نوعیه به دو قسم حسیبیه و غیرحسیبیه تقسیم می‌شوند که غیرحسیبیه نیز شامل دو دسته امور ولایتی و قضاوتی بوده و قانون اساسی معیاری برای تشخیص این دو است (فیرحی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۳). همین محقق در جای دیگری از کتاب خود



به نسبت بین مصالح نوعیه و امور حسبیّه در اندیشه نائینی اشاره دارد که کاملاً مشخص نیست و امور حسبیّه و مصالح نوعیه در نزد فقیهان قسیم هم نیستند، بلکه در طول هم قرار می‌گیرند. امور حسبیّه نیز از امور نوعی هستند (فیرحی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲). به باور ما مصالح نوعیه همان مصلحت عمومی است، اما امور نوعیه امور مربوط به همگان است و لزوماً جزء مصلحت عمومی نمی‌باشند.

«مشترکات نوعیه» از دیگر عبارات مورد استفاده نائینی است. او این مفهوم را با مفهوم حقوق مرتبط ساخته و اصطلاح بدیع «حقوق مشترکه نوعیه» را خلق کرده است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۵۷). درخصوص معنای این مفهوم بین محققان اتفاق نظری وجود ندارد. برای نمونه، یکی از شارحین نائینی بر این نظر است که مشترکات نوعی از جنس حقوق هستند نه تکالیف؛ و حقوق نیز به دو دسته نوعی و شخصی تقسیم می‌شود که حقوق نوعی شامل آن دسته از حقوق مشترک است که شهروندان یک جامعه ملزم به رعایت آن‌ها هستند و ماهیت آن‌ها به گونه‌ای است که مستلزم مشارکت نوع مردم در امور نوعیه است و با مفهوم مالیات برخورد می‌کند (فیرحی، ۱۳۹۷، ص ۳۵۰).

ایشان در ذیل بحث حقوق نوعی می‌نویسد: «حزب، پیوند آشکاری با حقوق عمومی دارد که در منابع فقهی از آن به حقوق مشترک نوعی تعبیر می‌شود» (فیرحی، ۱۳۹۶، ص ۳۲۳). این پژوهشگر در جایی دیگر مشترکات نوعی در اندیشه نائینی را معادل منافع ملی ذکر می‌کند (فیرحی، ۱۳۹۶، ص ۳۱۶). این عبارات فیرحی نشان می‌دهد که درخصوص نوع، حقوق نوعی و حقوق مشترک نوعی به نتیجه نرسیده و نظرات متفاوتی در نوشتارهای مختلف خویش در شرح نائینی ارائه داده است.

محققان دیگری بر این باورند که واژه «نوعیه» اشاره به نوع انسان - یعنی انسان بما هو انسان - دارد و حقوق مشترکه نوعی راه را بر مفهوم مدرن حق می‌گشاید.^۱

نائینی در موارد دیگری هم به واژه نوع اشاره می‌کند؛ برای نمونه، «جامعه نوعیه» از جمله اصطلاحاتی است که یکی از شارحین او، از ابتکارت و ابداعات نائینی می‌داند (فیرحی، ۱۳۹۷، ص ۵۰۲). او بر این باور است که «حافظ حقوق نوعیه هر قومی» که اعظم آن حریت رقاب و ناموس اکبر، کیش و آیین و استقلال وطن و قومیت است به

۱. برای دیدن تبیینی درخصوص این مفهوم، ر.ک: مرادخانی و صادقیان، ۱۳۹۷ الف؛ همان، ۱۳۹۷ ب.

همان جامعه‌نوعیه تعلق دارد (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳). این عبارت نائینی حاوی ظرایفی است؛ او به‌درستی هر جامعه‌ای را مکلف می‌داند از حقوق خودش حفاظت کند وگرنه آزادی خود را از دست خواهد داد. در مفهوم قانون اساسی هم عبارت نوع را وارد می‌کند. او قانون اساسی را در «امورات سیاسی و نظامات نوعیه» مثل رسائل عملیه می‌داند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۳۰) و می‌نویسد: «در امور سیاسی و نوعیات مملکت» نظارت بر متصدیان و مسئول بودنشان بدون قانون اساسی ممکن نیست (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۷۸). موارد اشارات نائینی به مفهوم نوع منحصر به این موارد نیستند و اصطلاحاتی مانند «قوای نوعیه»، «مرجحات نوعیه»، «امتیازات نوعیه» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴) «احیای رابطه نوعیه» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶) هم توسط او به کار برده شده‌اند.

به باور ما مفهوم نوع در اندیشه نائینی نشان می‌دهد که او بیش از هر چیز از نوع، نوع انسان را می‌فهمید و از ترکیبات این مفهوم به دنبال طرح مسئله برابری بود. از این رو، از «مساوات در قوا و حقوق و سایر نوعیات» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۴۶) و «مساوات در تمام نوعیات» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۴۵) یاد می‌کرد و بر این باور بود که آحاد ملت با همدیگر و با شخص والی در جمیع نوعیات مساوات دارند (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۸۹). وی تاکید داشت که سیره رسول الله ﷺ این بوده که «مصارف لازمه نوعیه» را بین همه حتی یهودیان مساوی تقسیم می‌کرد (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶).

کلمه عمومیه که در جهات مشترکه عمومیه به کار رفته نیز با مفهوم نوع و نوعیه کاملاً مرتبط است. نائینی بسیار زیرکانه هرگاه به امور عمومی و سیاسی اشاره می‌کند تا حد امکان، از کلمات عموم و نوع استفاده کرده تا همه افراد یک جامعه را فارغ از جنس، طبقه، مذهب، دین و سایر جهاتی که موجب تفاوت اشخاص است در نظر بگیرد که به باور ما یکی از نکته‌های مهم در اندیشه اوست. به گفته یکی از محققین، ظهور مفهوم «عموم» گسست عمده‌ای بود که مشروطیت در اندیشه حکومت وارد کرد (سلطانی، ۱۳۸۹ الف، ص ۲-۳).

۴. مکان طرح مفهوم جهات مشترکه عمومیه در کتاب تنبیه‌الامه

مکان طرح مفاهیم در اندیشه متفکران بی‌اهمیت نیست. این مفهوم در دو جای کتاب تنبیه‌الامه یعنی هنگام بحث از مفهوم نمایندگی و نیز بحث از نقش مردم در امور حسیبه آمده است. نائینی یک‌جا در پاسخ به شبهه و مغالطه دخالت مردم در امور حسیبه این



مفهوم را بیان می‌کند. ایراد مخالفان این بود که امور سیاسی از وظایف حسبیّه و از باب ولایات بوده و اقامه آن از وظایف نواب عام و مجتهدین است نه عوام. به گفته نائینی این ایراد به لسان علمی مطرح شده‌است، اما همه جهات موضوع را ندیده‌اند؛ زیرا «عموم ملت» به چند دلیل حق مراقبت و نظارت در حکومت دارند: اول به‌خاطر شورویّه بودن سلطنت اسلامیّه است. دوم به‌خاطر مالیاتی است که برای اقامه مصالح لازمه می‌دهند. سوم از باب منع تجاوزات و نهی از منکر و چهارم از باب جهات سیاسیّه که با توجه به معصوبیت مقام در حال حاضر راه دیگری وجود ندارد (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۹۸).

در مورد وظایف حسبیّه نائینی می‌افزاید: اولاً تصدی شخص مجتهد لازم نیست و ثانیاً «عدم تمکن نواب عام - بعضاً و کلاً - از اقامه آن وظایف، موجب سقوطش نباشد، بلکه نوبت ولایت در اقامه به عدول مؤمنین، و با عدم تمکن ایشان به عموم، بلکه به فسّاق مسلمین هم، به اتفاق کلّ فقهای امامیه، منتهی خواهد بود و چون وسیله اقامه وظایف لازمه و تحدید مذکور به همین مشروطیت رسمیّه بین الملل و انتخاب نوع ملت، (نظر به اشتراک در جهات عمومیّه) منحصر است و جز به همین عنوان و به غیر از این وسیله رسمیّه با این حالت حالیّه، نه اصل گماشتن نظّاری برای فقهای عصر غیبت ممکن است، و نه بر فرض گماشتن جز اهانت و تبعید، ترتّب نتیجه و اثر دیگری محتمل، و نه آن اساس اطّراد و رسمیتی که دانستی وسیله منحصراً تحدید است، به جز بر این مرتّب تواند بود. لہذا با اغماض از آن جهات مشترکه عمومیّه و خارجه از باب ولایات، از نفس همین جهت ولایتیّه هم بر همین وجه متعیّن است، و غایت آنچه مع‌التمکن، محض رعایت این جهت من باب الاحتیاط لازم‌الرعايه تواند بود، وقوع اصل انتخاب و مداخله منتخبین است به اذن مجتهد نافذالحکومه، و با اشمال هیئت مبعوثان به‌طور اطّراد و رسمیت، بر عده‌ای از مجتهدین عظام برای تصحیح و تنفیذ آرا صادره، چنانچه فصل دوم دستور اساسی متضمّن است، تمام جهات و احتیاطات مرعی و مجال شبیهه غیرمغرضانه نبودن حتی بر عوام شیعه هم، فضلا عن اهل العلم، بدیهی است» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۹۹).

نائینی در این عبارات نسبتاً طولانی نکات بسیار مهمی را بازگو می‌کند که واکاوی همه آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است. او اعلام می‌کند که برخی از وظایف حسبیّه به هیچ وجه نباید تعطیل گردد و در غیبت معصوم علیه السلام، به نواب او و در فقدان آن‌ها، به مومنین و سپس به فسّاق مومنین تفویض می‌شود. به گفته او، این نظر را همه فقیهان شیعه به اتفاق به رسمیت شناخته‌اند. همچنین حوزه‌ای وجود دارد که جهات مشترکه

عمومیّه خوانده می‌شود و کسی در این حوزه بر مردم ولایت ندارد و همه ملت در آن جهات عمومیّه اشتراک دارند.

او سپس در پاسخ به شبهه عدم انطباق هیئت نظار با وکالت شرعیّه نیز می‌نویسد: «گذشته از آنکه از جهت مالیاتی که برای صرف در اقامه مصالح نوعیّه داده می‌شود و هم از سایر جهات مشترکه عمومیّه که جز ولیّ منصوب من الله احدی در آنها ولایت ندارد، تطبیق به باب وکالت شرعیّه ممکن است» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰). از منظر او، حوزه‌ای در حیات آدمی وجود دارد که جز ولیّ منصوب از جانب خدا هیچ‌کس در آن ولایتی بر مردم ندارد و جهات مشترکه عمومیّه به این حوزه تعلق دارند. چنانکه دیدیم، نائینی یک بار در هنگام لزوم تعطیل نشدن امور حسبیّه و بار دیگر در باب مفهوم نمایندگی به این موضوع اشاره می‌کند. در هر دو مورد هم تأکید دارد که در این حوزه، جز ولیّ منصوب از جانب خداوند هیچ‌کس دیگری بر مردم ولایت ندارد.

۵. مفاهیم مرتبط با جهات مشترکه عمومیّه

چنانکه در فقرات فوق دیدیم، نائینی از طرح این مفهوم به دنبال اثبات مفاهیم مشارکت و برابری است. او برای تبیین و توضیح آن، از مفاهیم نمایندگی، شورا، مالیات و امر به معروف و نهی از منکر استفاده می‌کند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. مفهوم نمایندگی یکی از مواردی بود که نائینی در ذیل آن به مفهوم جهات مشترکه عمومیّه اشاره کرده‌است. یکی از بحث‌های مهم در مشروطیت ایران، مفهوم نمایندگی بود که اولاً این مفهوم به چه معنایی است و ثانیاً به چه دلیل و براساس کدام مبنا افراد می‌توانند در امر حکومت دخالت نمایند؛ زیرا اندیشه غالب این بود که مردم در این حوزه نمی‌توانند دخالت کنند.^۱

یکی از پژوهشگران می‌نویسد: به نظر نائینی، وجوب انتخابات و مداخله مردم در انتخابات، از باب مقدمه واجب، واجب است؛ علاوه بر آن، انتخاب نوع ملت از یک جهت دیگر هم واجب است، زیرا عموم مسلمانان به‌خاطر اشتراک در جهات عمومیّه شرعاً مکلف به مداخله در امور عمومی جامعه در قالب شورا و امر به معروف هستند (فیرحی، ۱۳۹۷، ص ۳۴۹). ایشان معتقد

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد برآمدن مفهوم نمایندگی در مشروطیت ایران، ر.ک.: مرادخانی و گرجی، ۱۳۹۲؛

سلطانی، ۱۳۸۹ الف؛ سلطانی، ۱۳۸۹ ب.



است نمایندگی از چند منبع ناشی می‌شود: جهات عمومی یا جهات مشترک عمومی شامل شورایی بودن دولت در اندیشه اسلامی و امر به معروف که دو واجب همگانی غیر قابل اسقاط هستند و به شخص، نهاد و گروه خاصی تعلق ندارد و همه‌جایی و همه‌زمانی هستند و امور مشترک نوعیه مثل مالیات (فیرحی، ۱۳۹۷، ص ۳۵۰-۳۵۱).

به گفته او، برخلاف امور مشترک، جهات مشترک و مصادیق آن مانند شورا و امر به معروف و نهی از منکر، در فقه مشروطه از جنس تکالیف هستند نه از جنس حقوق، و برخلاف حقوق، قابلیت انتقال و اسقاط ندارند و چون به فرد، نهاد و گروه خاصی تعلق ندارند، همگانی هستند (فیرحی، ۱۳۷۹، ص ۳۵۱). بدین ترتیب، نائینی جهات مشترک عمومی را به مسائل شرعی مرتبط می‌کند و تنها مسلمانان را مشمول این جهات می‌داند و مالیات را جزء امور مشترک نوعیه‌ای می‌داند که شامل همه حتی غیرمسلمانان نیز می‌شود. ایشان مشترکات نوعی را قسیم جهات مشترک عمومی دانسته و آن را از جنس حقوق و نه تکالیف شرعی اعلام نموده‌است. مراد از حقوق نوعی آن دسته از حقوق مشترک است که شهروندان یک جامعه ملزم به تدارک و رعایت آن‌ها هستند؛ به طوری که ماهیت این حقوق مستلزم مشارکت نوع مردم در امور نوعیه است و سازوکار اجرا و حمایت آن، اغلب با مفهوم مدرن مالیات پیوند دارد؛ به نظر ایشان، اموری مثل راه و ترابری، شهرداری‌ها، آموزش‌های تخصصی و ... از حوزه حاکمیتی دولت‌ها خارج است و بیشتر به خدمات، رفاه و خواست عمومی برمی‌گردد (فیرحی، ۱۳۹۷، صص ۳۵۴-۳۵۰).

چنانکه می‌بینیم فیرحی بر این باور است که جهات مشترک عمومی مسئله‌ای شرعی است و به غیر مسلمانان نمی‌تواند تعلق بگیرد. در این که نائینی غیرمسلمانان را در مفهوم نمایندگی شریک می‌دانست تردیدی نیست. در اندیشه او غیرمسلمانان در مجلس به‌خاطر اشتراک‌شان در مالیات و همچنین به‌واسطه توقف تمامیت و رسمیت شورویه عمومی، لامحاله باید انتخاب شوند و اگرچه دین‌شان متفاوت است، اما به‌خاطر خیرخواهی نسبت به وطن و نوع، صلاحیت حضور در مجلس را دارند؛ زیرا او معتقد است عقد مجلس برای نظارت متصدیان و اقامه وظایف راجع به نظم و حفظ مملکت و سیاست امور امت و احقاق حقوق ملت است نه برای حکومت شرعیه و فتوا و نماز جماعت (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳). علاوه‌بر این موارد در فقه، مسلمان بودن جزء شرایط وکالت نیامده است (فیرحی، ۱۳۹۷، ص ۳۹۹). به باور ما این سخن که جهات مشترک عمومی را مرتبط با امور شرعی بدانیم محل تردید است و نائینی هر جا از عمومی استفاده می‌کند، نگاهی به

مفهوم برابری و لزوم مشارکت سیاسی شهروندان دارد.

پژوهشگران دیگری در شرح جهات مشترک عمومی می‌نویسند: در اندیشه نائینی، افراد جامعه از حقوقی تحت عنوان «حقوق مشترک نوعیه» برخوردار هستند و همان‌طور که هر حقی در مقابل تکلیفی قرار می‌گیرد، به نظر می‌رسد تضمین و تمکین این حقوق نیز از وظایف متصدیان حکومت، که خود برخاسته از دل ملت هستند، باشد. در کنار این حقوق، نائینی با بیان مفهوم «جهات» و قرار دادن آن ذیل امور حسبیّه، از جمله امور سیاسی و عرفی‌ای می‌داند که پرداخت مالیات از مصادیق آن است. در نتیجه «جهات مشترک عمومی» ممکن است ناظر بر مجموع حقوق شهروندان و وظایف آن‌ها در قبال حکومت باشد و یا صرفاً به تکالیف شهروندان و اختیارات حکومت اشاره داشته باشد. البته با توجه به ذکر مفهوم «جهات مشترک عمومی» در کنار مقوله مالیات، فرض و امکان دوم قوی‌تر به نظر می‌رسد و می‌توان آن را وظیفه‌ای همگانی دانست (مراذخانی و صادقیان ۱۳۹۷ الف، صص ۲۰۶-۲۰۷).

مالیات هم از دیگر مفاهیم کلیدی اندیشه نائینی است که در جهات مشترک عمومی به آن اشاره کرده‌است. او کوشش می‌کند از طریق مالیات، مفهوم نمایندگی و مشارکت همه افراد ملت حتی غیرمسلمانان را در مشارکت سیاسی اثبات کند. برای نمونه، در خصوص تبیین و توجیه مفهوم نمایندگی اعلام می‌کند مردم به‌خاطر مالیاتی که می‌دهند می‌توانند در این حوزه شرکت کنند. او بر این باور است که مالیات باید صرف مصالح نوعیه شود. از این‌رو، حتی غیرمسلمانان هم می‌توانند در این حوزه نماینده شوند.^۱ مراد نائینی همان مالیات در دولت مدرن است نه مالیات شرعی. مالیات در معنای مدرن باج و خراج دولت یا تکلیف شرعی مؤمنان نیست، بلکه تن‌خواهی از جانب ملت به دولت است که در پایان هر سال، دولت باید نحوه مصرف آن را به ملت گزارش دهد. به همین دلیل نائینی مصرف مالیات، تعیین آن و تطبیق دخل و خرج مملکت را یکی از وظایف اصلی نمایندگی می‌داند و می‌گوید «اول و اهمّ تمام وظایف و از بدیهیات این باب، ضبط و تعدیل خراج و تطبیق دخل و خرج مملکت است که حفظ نظام و تحفظ بر حوزه و بیضه اسلام جز به ترتیب قوای نظمیه و حفظیه و تهیه استعدادات داخلیّه و سرحدیه غیرممکن و

۱. ر.ک.: سلطانی، ۱۳۸۹ الف، ص ۷.



توقف تمام ترتیبات مذکوره به تصحیح و تعدیل خراج و ضبط آن از حیث و میل و صرف در مشتهیات شخصیّه و ارادات طاغوتیه از واضحات است.» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵)

«شورا» از دیگر مفاهیم کلیدی در اندیشه نائینی است که در «جهات مشترکه عمومیّه» وارد شده و در چند جای کتابش نیز به آن اشاره کرده است. او بر این باور بود که حقیقت حکومت اسلامی با توجه به مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت، به مفهوم شورا برمی گردد. وی حقیقت سلطنت اسلامی را مشورتی و شورایی می داند که یکی از مبانی پیشرفت اسلام در صدر اول بود: «علت پیشرفت مسلمانان در صدر اسلام، عادلیه و شورویّه بودن سلطنت اسلامیّه و آزادی و مساوات آحاد مسلمین با شخص خلیفه بود (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۶۸). شورا مفهومی کلیدی نزد فقیهان مشروطه خواه بود و از آن برای توضیح این مفهوم مدرن استفاده می کردند.^۱

امر به معروف و نهی از منکر هم یکی دیگر از مفاهیمی است که نائینی در طرح جهات مشترکیه عمومیّه از آن نام می برد. این مفهوم همواره به عنوان یکی از مبانی مهم دخالت مردم در حکومت و نظارت آن ها در اندیشه اسلامی مطرح شده است. نائینی نیز به عنوان یکی از راه های رفع استبداد به این مفهوم اشاره کرده و بر این باور است که اگر شخص واحد، منکرات عدیده را مرتکب شود، ردعش تکلیف است (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۶۵). همچنین به گفته او اهمال در انجام این دو وظیفه مهم شرعی که به نص اخبار از دعائم و مبانی اسلام اند از علل شجره ملعونه استبداد در سرزمین های اسلامی است (نائینی، ۱۳۸۰، صص ۱۵۳-۴).

۶. ارتباط جهات مشترکه عمومیّه و عناوین مشترکه بین عموم

یکی از مفاهیم مهم در اندیشه نائینی که با مفهوم جهات مشترکه عمومیّه رابطه نزدیکی دارد «عناوین مشترکه بین عموم» است که به گفته یکی از محققین، تاریخ اندیشه حقوقی و سیاسی باید توضیحی برای آن فراهم کند (سلطانی، ۱۳۹۱، ص ۷۲). نائینی در عباراتی بسیار مهم می نویسد:

۴. برای مطالعه بیشتر در مورد شورا در اندیشه نائینی، ر.ک.: فیرحی، ۱۳۹۷، صص ۲۶۴-۲۵۰؛ همان، ۱۳۹۳؛ همچنین برای مطالعه مباحثی در مورد برداشتهای جدید از مفهوم شورا در اندیشه اهل سنت، ر.ک.: بلقزیز، ۱۳۹۸، صص ۲۲۷-۲۵۴.

«قانون مساوات روح تمام قوانین است... هر حکمی که بر هر موضوع و عنوانی به طور قانونیت و بر وجه کلیت مرتب شده باشد، در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت مجری باشد. جهات شخصیه و اضافات خاصه راساً غیرملحوظ و اختیار وضع و رفع و اغماض و عفو از هر کس مسلوب است و ابواب تخلف و رشوه گیری و دلبخواهانه حکمرانی به کلی مسدود می باشد. نسبت به عناوین مشترکه بین عموم اهالی مانند امنیت بر نفس و عرض و مال و مسکن و عدم تعرض بدون سبب و تجسس نکردن از خفایا و حبس و نفی نکردن بی موجب و ممانعت نداشتن از اجتماعات مشروعه و نحو ذلک از آنچه بین العموم مشترک و به فرقه خاصی تعلق ندارد به طور عموم مجری شود. و در عناوین، خاصه بین مصادیق و افراد آن عنوان نسبت به عموم اهل مملکت بعد از دخول در آن عنوان اصلاً امتیاز و تفاوتی در بین نباشد. مثلاً مدعی علیه وضعی باشد یا شریف، [جاهل باشد یا عالم]، [کافر باشد یا مسلم]، به محاکمه احضار و قاتل و سارق و زانی و شارب خمر و راشی و مرتشی و جائز در حکم و معتصب مقام و غاصب اوقاف عامه و خاصه و اشیا ذلک هر که باشد حکم شرعی نافذ از حاکم شرع نافذ الحکومه بر او مجری گردد و تعطیل بردار نباشد و احکام مخصوصه بخصوص مسلمین یا اهل ذمه بدون تفاوت بین اشخاص هریک از فریقین اجرا یابد الی غیر ذلک من العناوین المختلفه. این است حقیقت مساوات.» (نائینی، ۱۳۸۰، صص ۹۰-۹۱)

این مفهوم با واژه برابری ارتباط پیدا می کند و نائینی در این فقره بدیع و بی نظیر اعلام می کند که در مشروطیت و دوران جدید باید بین دو حوزه جهات شخصیه و عناوین مشترکه بین عموم تفاوت قائل شد. به گفته یکی از محققان، یکی از قلمروهایی که اصل تساوی در مقابل قانون معطوف به اصلاح آن بود، از میان برداشتن امتیازات طبقاتی بود که در مشروطیت ایران هم به دقت دنبال می شد (سلطانی، ۱۳۹۱، صص ۱۴-۱۵). «جهات شخصیه و اضافات خاصه» ای که نائینی اذعان داشت باید «غیرملحوظ باشند» اشاره ای به همین حوزه و امور است.

«عناوین مشترکه اولیه بین عموم» اما حوزه ای است که در آن نباید جهات شخصیه لحاظ شود. نائینی مصادیقی برای این حوزه اعلام می کند مثل امنیت بر نفس و عرض و مال و مسکن و عدم تعرض بدون سبب و تجسس نکردن از خفایا و حبس و نفی نکردن بی موجب و ... که به فرقه خاصی اختصاص ندارد و همه مردم به صرف حضور در یک کشور از آن ها برخوردارند. البته در اندیشه او در کنار این عناوین مشترکه بین عموم،

«عناوین خاصه» هم وجود داشته و مطرح شده‌اند. منظور از عناوین خاصه برای نمونه مسلمان یا مسیحی بودن یک فرد است و قوانین خاص این مذاهب بین افراد آن‌ها به‌طور مساوی اجرا می‌شود. به این ترتیب، نائینی می‌خواست جهات شخصیه و اضافات خاصه را کنار بگذارد و امری مشترک پیدا کند. یعنی حق و سهم مشترک در امور نوعی و همه در پیشگاه قانون و آنچه بین عموم مشترک است برابر باشند. این عناوین مشترکه بین عموم، به گفته یکی از محققان، سنگ بنای نظام جدید است و به فرقه خاصی اختصاص ندارد (سلطانی، ۱۳۹۱، صص ۹-۱۰).

نتیجه

تاریخ پیدایش و تحول مفاهیم، مسئله‌ای مهم در تاریخ اندیشه است. اینکه یک مفهوم در سرزمین و تفکری به‌وجود بیاید و رشد کند، نیازمند تلاش‌های بسیاری است که متفکران هر قوم نقشی انکارنشدنی در آن دارند. مشروطیت ایران اتفاق مهمی است که در پیدایش و تحول مفاهیم جدید در ذهن و زبان ایرانیان بسیار مؤثر بود. ایرانیان با تلاش‌هایی ارزشمند کوشش کردند درک جدیدی از روابط قدرت، نگاه به انسان، روابط دولت و ملت و بسیاری از موضوعات دیگر مطرح کنند. از میان متفکران ایرانی میرزای نائینی در طرح بسیاری از مفاهیم و تحلیل‌های متفاوت جایگاه خاصی دارد. او توانست با تکیه بر میراث گران‌بهای سنت شیعی راه را بر ورود بسیاری از مفاهیم نوآیین باز کند. این مقاله به بررسی یکی از مفاهیم بدیع مطرح شده توسط نائینی یعنی جهات مشترکه عمویه پرداخت. در مشروطیت ایران بیشترین مباحث صرف مسئله آزادی، برابری و شقوق آن شد. ایرانیان بحث‌های زیادی کردند که آیا مردم در سلطنت و حکومت نقشی دارند یا نه؟ اگر نقشی دارند این نقش تا چه حدی است؟ آیا همه سکنه و اهالی مملکت برای شرکت در امور عمومی و سیاسی از جمله نمایندگی مجلس برابر هستند یا این حق به افراد و فرقه خاصی اختصاص دارد؟ پرسش‌هایی از این دست جدید و پاسخ به آن‌ها نیازمند نظریه‌پردازی بود. نائینی کوشش می‌کرد با تکیه بر دانش عمیق خود در فقه و اصول، و با جعل مفاهیم جدید و تحول در مفاهیم قدیم و تفاسیر جدید از سخنان پیشینیان به این پرسش‌ها پردازد. در این راستا، او با طرح ناحیه جدیدی که همه مردم فارغ از جهات خاصه در آن مشترک هستند، کوشش کرد هم مبنایی برای برابری در کنار سایر مبنایی بحث شده مطرح کند و هم بتواند از طریق این مفهوم، مبنایی برای مشارکت سیاسی مردم خاصه در امر نمایندگی ایجاد نماید.



موضوع این مقاله بررسی یکی از مفاهیم مهم محقق نائینی است. به علت پیچیدگی اندیشه نائینی و دقت نظر او در به‌کارگیری مفاهیم نیاز بود که این مفهوم را از نزدیک و با دقت بیشتری بنگریم. از این‌رو، کل مقاله به توضیح و شرح این مفهوم کلیدی اختصاص یافت که تاکنون از آن پرده برداری نشده‌است و مجالی برای بررسی آثار و تبعات این مفهوم دقیق به‌دست نیامد. بررسی آثار این مفهوم در اندیشه سیاسی و حقوقی ایران معاصر نیازمند نوشته مستقلی است. با وجود این، به‌عنوان طرح بحث می‌توان گفت، مفهوم برابری یکی از مفاهیم کلیدی اندیشه جدید و نظریه مشروطیت است و به باور راقم این سطور، دقیق‌ترین نظریه‌پردازی درباره این مفهوم در ایران دوران جدید، به نائینی تعلق دارد و اگرچه فضل تقدم در مطرح کردن برخی مباحث جدید با منورالفکران آن عصر بود، اما بی‌هیچ تردیدی تقدم فضل با امثال نائینی بود. به جرئت می‌توان گفت کمتر کسی، حتی پس از نائینی، در ایران توانسته است چنین بنای مستحکمی از اندیشه سیاسی و حقوقی شیعی پایه‌گذاری نظری کند.

اندیشه سیاسی نائینی به علت حوادث بعد از مشروطیت مانند اولتیماتوم روس و تعطیلی مجلس دوم، جنگ جهانی اول و اشغال ایران، قحطی و نابسامانی اوضاع، برآمدن استبداد پهلوی اول و تمرکز نائینی بر دروس فقهی خود و دوری‌گزیدن از موضوعات و نزاع‌های سیاسی چندین دهه به فراموشی سپرده شد. شاید در نگاه اول به نظر برسد که کتاب اندیشه او نتوانست در ایران تأثیرگذار باشد، اما حقیقت آن است که مسیر اندیشه‌های نظری و تأثیرگذاری آن معمولاً نیازمند زمان است. با وجود این، آثار باریک‌اندیشی‌ها و تأملات او با طرح نوینی که ریخته بود، تداوم پیدا کرد.

طرح مفهوم برابری در اندیشه ایران در فاصله بین نوشتن کتاب مهم تنبیه‌الامه و برآمدن پهلوی اول متأثر از اندیشه‌های او بوده است و امثال سید حسن مدرس - که با نائینی در یک سنت فکری بودند - و دیگر فقیهان حاضر در مجلس دوم تا پنجم توانستند در منازعات سیاسی ایران نقش مهمی در حل مشکلات ایران جدید و مشروطیت نوپا بازی کنند. حتی بعدها بزرگانی در نجف و قم از مفهوم برابری در اندیشه اسلامی دفاع کردند که می‌توان آن‌ها را در امتداد اندیشه نائینی دید. مفاهیم مهم و خردورزی‌های بزرگان اندیشه هرگز کهنه نمی‌شود، کما اینکه هنوز مفاهیمی که ارسطو، آکویناس، لاک و دیگران به‌کار برده‌اند تازگی دارد؛ میراث‌داران و شارحان این متفکران، مفاهیم آن‌ها را ضمن شرح و بسط، نو می‌کنند. مفاهیم مطرح شده توسط نائینی نیز از این دسته‌اند.



اگرچه کوشش‌هایی برای تبیین اندیشه‌های سیاسی و حقوقی نائینی انجام شده است، اما انصافاً نتوانسته‌ایم دین خویش را به او ادا کنیم. موضوع مشارکت سیاسی و برابری همه مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن در مناصب سیاسی و اداری مانند نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری و شوراهای شهر، یک نمونه از مسائلی است که هنوز در سطح نظر و عمل با چالش‌ها و پرسش‌هایی روبروست که به باور ما استفاده از مفهوم جهات مشترکه عمومی‌ه می‌تواند در این مسائل بسیار راهگشا باشد.



منابع

- آملی، م.ت. (۱۴۱۳ق). *المکاسب و البیع*. (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- احمد بن فارس، ا. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغه*. (ج ۵). ع.م. هارون (مصحح). قم: بوستان کتاب.
- بلقزیز، ع. (۱۳۹۸). *دولت و نظام سیاسی در اندیشه متفکرین اسلامی معاصر*. تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- سلطانی، ن. (۱۳۸۹الف). *مشروطیت و جدال فقیهان در مفهوم نمایندگی*. مطالعات حقوقی، (۱)۲، صص ۱۵۹-۱۸۴.
- سلطانی، ن. (۱۳۸۹ب). *مفهوم نمایندگی در مجلس اول*. پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۰ شماره ۱۹، صص ۱۷۵-۱۳۵.
- سلطانی، ن. (۱۳۹۱). *مفهوم برابری در مقابل قانون در متمم قانون اساسی مشروطیت*. مطالعات حقوقی، (۲)۴، صص ۵۹-۹۰.
- فراهیدی، خ. (۱۴۱۰ق). *العین*. (چاپ دوم؛ ج ۲). م. مخزومی (مصحح). قم: نشر هجرت.
- فیرحی، د. (۱۳۹۳). *فقه و سیاست در ایران معاصر*. تهران: نشر نی.
- فیرحی، د. (۱۳۹۶). *فقه و حکمرانی حزبی*. (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
- فیرحی، د. (۱۳۹۷). *آستانه تجدد در شرح تنبیه الامه و تنزیه المله*. (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
- مرادخانی، ف. (۱۳۹۷). *بسط مفاهیم حقوق خصوصی در حقوق عمومی در انقلاب مشروطه ایران*. سیاست‌نامه، (۹)۳، صص ۱۹۵-۲۱۷.
- مرادخانی، ف.؛ صادقیان، م. (۱۳۹۷الف). *مفهوم حقوق مشترکه نوعیه در اندیشه نائینی*. جستارهای تاریخی، (۱)۹، صص ۹۱-۱۱۲.
- مرادخانی، ف.؛ صادقیان، م. (۱۳۹۷ب). *مشروطه، حقوق ملت و نقش آیت‌الله نائینی در توسعه مفهوم حق*. علوم سیاسی، دوره ۲۲ شماره ۸۶ صص ۱۶۸-۱۴۷.
- مرادخانی، ف.؛ گرجی، ع.ا. (۱۳۹۲). *برآمدن مفهوم نمایندگی در مشروطیت ایران*. حقوق اساسی، دوره ۱۰ شماره ۱۹، صص ۱۵۳-۱۸۰.
- مرادخانی، فردین. (۱۳۹۶). *خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران*. تهران: انتشارات میزان.

- مظفر، م.ر. (۱۴۲۰ق). المنطق. قم: دارالغدیر.
- نائینی، م.ح. (۱۳۸۰). تنبیه الامه و تنزیه المله. به کوشش ح.ر. محمودزاده. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نجفی خوانساری، موسی. (۱۳۷۳ق). منیه الطالب فی حاشیه المکاسب. (ج ۱). تهران: محمدیه.



References

- al-Farahidi, Kh. (1410 AH). *Kitab al-'Ayn* (M. Makhzumi, Ed., 2nd ed., Vol. 2). Qom: Hijrat. [In Arabic]
- Amuli, M. T. (1413 AH). *al-Makasib Wa al-Bay'* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Bilqaziz, A. (1398 AP). *The state and the political system in the minds of contemporary Islamic thinkers*. Tehran: Negah-e Mo'aser. [In Persian]
- Feirahi, D. (1393 AP). *Jurisprudence and politics in contemporary Iran*. Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Feirahi, D. (1396 AP). *Jurisprudence and party rule* (3rd ed.). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Feirahi, D. (1397 AP). *The threshold of modernity in the description of the punishment of the nation and the purification of the nation* (3rd ed.). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Ibn Faris. (1404 AH). *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (A. M. Haroon, Ed., Vol.5). Qom: Bustaneketab. [In Arabic]
- Moradkhani, F. (1396 AP). *Legal reading of the Iranian Constitutional Revolution*. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Moradkhani, F. (1397 AP). *Expansion of the concepts of private law in public law in the Iranian Constitutional Revolution*. *Policy*, 3(9), pp. 195-217. [In Persian]
- Moradkhani, F., & Gorji, A. A. (1392 AP). *The emergence of the concept of representation in the Iranian constitution*. *Fundamental Rights*, 10(19), pp. 153-180. [In Persian]
- Moradkhani, F., & Sadeqiyani, M. (1397 AP a). *The concept of "hoghooghe moshtareke noeeye" in the Naeeni thought*. *Historical Studies*, 9(1), pp. 189-210. [In Persian]
- Moradkhani, F., & Sadeqiyani, M. (1397 AP b). *The constitution, the rights of the people and the peerless role of Naeeni in modern literature of "the right"*. *Political Science*, 22(86), pp. 147-168. [In Persian]
- Muzaffar, M. R. (1420 AH). *The logic*. Qom: Dar al-Ghadir. [In Arabic]
- Naeeni, M. H. (1380). *Tanbih-al-ummah and Tanzih-al-mellah* (H. R. Mahmoudzadeh, Ed.). Tehran: Amirkabir. [In Arabic]
- Najafi Khansari, M. (1373 AH). *Munyah al-Talib fi Hashiah al-Makasib* (Vol. 1). Tehran: Mohammadiyeh. [In Arabic]
- Soltani, S. N. (1389 AP a). *Constitutionalism and the controversy of jurists in the concept of representation*. *Legal Studies*, 2(1), pp. 159-184. [In Persian]
- Soltani, S. N. (1389 AP b). *The Concept of Representation in the First Assembly (Mashruteh)*. *Legal Research*, 10(19), pp. 135-175. [In Persian]
- Soltani, S. N. (1391 AP). *The Concept of Equality before the Law in the Supplement of the Iranian Constitution during the Constitutional Revolution*. *Legal Studies*, 4(2), pp. 59-90. [In Persian]